

## کارکرد شاعرانه آرکائیسیم در شعر شفيعی کدکنی

سارا حسینی\*

آذر دانشگر\*\*

### چکیده

آرکائیسیم، نوعی هنجارگریزی و انحراف از زبان معمول و نرم و به کار بردن واژگان و ساختاری است که در گذشته، متداول بوده؛ اما در اشعار شاعران امروزی و معاصر، رواج چندانی ندارد. فرض محقق در این مقاله، آن است که در میان شاعران معاصر، پس از اخوان و شاملو، شفيعی کدکنی، بیش از دیگران، از این شگرد، جهت تشخیص بخشیدن به زبان شعری خود، سود برده است. به همین منظور، این مقاله به بررسی این موضوع در اشعار شفيعی کدکنی در سه دفتر: «زمزمه‌ها»، «شبخوانی»، «از زبان برگ» در دو مقوله آرکائیسیم واژگانی و نحوی، پرداخته است. بدیهی است قبل از بررسی این عنصر در اشعار شفيعی کدکنی، در قسمت بحث و بررسی این مقاله، به تعریف، تشریح و انواع آرکائیسیم توجه شده است. بررسی این عنصر در اشعار شفيعی، نشان می‌دهد که باستان‌گرایی، در دو شاخه واژگانی و نحوی به صورت گسترده، مورد توجه شاعر بوده است اما در حوزه واژگانی به ویژه کاربرد اسم‌های کهن و قدیمی، خروج از هنجار، بیشتر صورت گرفته است.

### واژه‌های کلیدی

هنجارگریزی، آرکائیسیم، واژگانی، نحوی، شفيعی کدکنی

### مقدمه

آرکائیسیم در لغت به معنی «به کارگیری لغت‌ها و عباراتی که در زبان رسمی و متداول، کهنه و غیرمستعمل و منسوخ شده باشد، آمده است.» (داد: ۱۰) ناقدان ادبی باستان‌گرایی را: «ادامه حیات گذشته در خلال زبان اکنون می‌دانند.» (شفيعی کدکنی: ۲۴)

گاهی شاعر برای اثربخشی شعر و تشخیص و برجستگی زبان شعری خود کاربرد باستان‌گرایانه یا آرکائیسیم را مدنظر قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت، اولین شاعر معاصری که این رویکرد گذشته را در شعر امروز احیا کرد و جریان آن را بنا نهاد نیما یوشیج است؛ هرچند که باستان‌گرایی در شعر او برخلاف شعر اخوان و شاملو، جزء مشخصه‌های اصلی به حساب نمی‌آید اما باید دانست که جرعه اصلی آن را «نیما» زده است و شفيعی کدکنی نیز که تحت تأثیر اخوان ثالث بوده است، از این ویژگی بهره‌مند شده است. بنابراین، این مقاله با این فرض که عنصر آرکائیسیم بسیار مورد توجه شفيعی کدکنی بوده است، به بررسی آن در دو مقوله واژگانی و نحوی در اشعار این شاعر، نشسته است. حاصل این بررسی، نشان می‌دهد که باستان‌گرایی در دو شاخه واژگانی و نحوی به صورت گسترده در اشعار م. سرشک مشاهده می‌شود. حضور شاعرانه این عنصر در اشعار وی، کارکرد این عنصر را در شعر او در مرتبه‌ای بعد از اخوان و شاملو قرار داده است.

شناخت عمیق این شاعر نسبت به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران در کنار انس وی به زبان دری و گویش مردم خراسان او را در گرایش به کهن‌گرایی به ویژه دوره خراسانی، توانا ساخته است و حضور واژگان کهن و محلی را در اشعارش به میزان قابل توجهی بالا برده است؛ البته ناگفته نماند که احساسات و عواطف شاعر نیز در توجه به باستان‌گرایی، بی‌تأثیر نبوده است،

\*

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج-ایران

مؤلف در این مقاله با این هدف که کارکرد شاعرانه آرکائیسیم را در دو حوزه واژگانی و نحو مورد بررسی قرار دهد، پس از بحث و بررسی در مورد آرکائیسیم و انواع آن و شکل‌های مختلف آن، این کارکرد را در سه دفتر شعری: زمزمه‌ها، شب‌خوانی و از زبان برگ مورد بررسی قرار داده است.

## ۱ - آرکائیسیم (باستان‌گرایی)

واژه آرکائیسیم در لغت به معنی «قدیم، گذشته، دیرین، دیرینه می‌باشد.» (معین: ۲۰) و باستان‌گرایی یعنی گرایش به گذشته و قدیم. و در اصطلاح ادبی عبارت است از: کاربرد کلمات منسوخ یا شیوه مهجور و غیرمتداول در زبان امروز. «از آن جا که زبان نمی‌تواند صورت ثابت و یگانه‌ای داشته باشد و همواره به تبع دگرگونی‌ها و تحولات جامعه، دستخوش تغییرات می‌گردد، در هر دوره‌ای از تاریخ، ویژگی‌ها و مشخصاتی پیدا می‌کند که شکل آن را از زبان دوره قبل متمایز می‌سازد، لذا می‌توان در بررسی تاریخ یک زبان، سیر تحولات آن را از قدیم‌ترین صورت دنبال کرد و تغییرات و تحولات و قوانین حاکم بر آن تحولات را در طول تاریخ آن زبان تعیین نمود.» (باقری: ۳۷) یکی از تکنیک‌های تبدیل زبان عادی گفتار به زبان شعر باستان‌گرایی است. به عبارتی برای تبدیل یک کلام عادی به شعر، هنجارگزینی و انحراف از فرم پدید می‌آید که در چند مقوله قابل بررسی می‌باشد که یکی از آن مقوله‌ها باستان‌گرایی (آرکائیسیم) می‌باشد.

درک اصطلاح آرکائیسیم (باستان‌گرایی) مستلزم تأمل در زبان و تحولات آن می‌باشد. تغییر و تحول زبان چه در حوزه واژگان و چه در حوزه نحوی در طول زمان امری بدیهی می‌باشد، همواره واژگان از چرخه کاربرد زبانی خارج و کلمات جدید یا احیاناً تلفظ‌های جدید جایگزین آنها می‌گردند. این امر در مورد نحو هم صادق می‌باشد.

زبان هر شاعر باید به زبان عصر خود نزدیک باشد. اما گاهی شاعر برای تشخیص بخشیدن به شعر یا تأثیر آن در مخاطب و یا زنده کردن فضای سنتی و قدیمی در شعر خود از واژگان و نحو گذشته و متروک زبان بهره می‌جوید که در این صورت او را کهن‌گرا می‌نامند. البته نحوه استفاده شاعر از این امکانات زبانی به توانایی هر شاعر برمی‌گردد.

استفاده از عناصر و واژگان کهن، به گونه‌ای به سبک هر شاعر عظمت می‌بخشد و باعث برجستگی کلام او می‌گردد. کاربرد این شیوه فضای حماسی و نوستالژیک در شعر ایجاد می‌کند. کهن‌گرایی سبب تداوم فرهنگ مردم نیز می‌گردد. «صورت‌های آوایی، واژگانی، نحوی کهن زبان، دوشادوش تلمیح و اسطوره و دیگر عناصر سخن بین متنی موجب پیوند متن با گذشته و تداوم صفت‌ها با فرهنگ می‌شود.» (فتوحی: ۴۵) شاعر با به کارگیری واژگان باستانی در بافتی کهن از جملات و تعبیر شاعرانه دست به نوعی خلاقیت می‌زند تا بتواند مخاطب یا خواننده اثر را به لایه‌های درونی تاریخ ببرد و از این طریق اندیشه‌های خود را به آن‌ها منتقل کند.

پورنامداریان در این مورد می‌نویسد: «پایه و اساس هر شعری بر روی پایه‌های قبل از خود نهاده می‌شود و تأثیرپذیری از اشعار گذشته و عناصر آنها شکل می‌پذیرد و توجه به عناصر زبان و فرهنگ در گذشته در شعر علاوه بر برجسته‌سازی موجب اصالت و ریشه‌دار شدن شعر می‌شود و غفلت از آن چشم‌پوشی از بخش وسیعی از امکانات و توانایی‌های بالقوه است که می‌تواند به اشکال و صور مختلف و به وسیله شاعر فعلیت پیدا کند.» (پورنامداریان: ۷۷)

شفیعی کدکنی خود درباره باستان‌گرایی و آرکائیسیم عقیده دارد که اگر شاعری با مهارت و استادی آرکائیسیم را در اشعارش به کار گیرد علاوه بر تشخیص بخشیدن به شعر به برجستگی شعرش نیز افزوده است. «از آن جایی که باستان‌گرایی در شعر امروز، نوعی هنجارگزینی از نرم عادی زبان محسوب می‌گردد به این سبب آن را هنجارگزینی زبانی می‌نامند.» (صفوی: ۱۵) پس می‌توان گفت که هنجارگزینی زبانی انحراف از هنجارهای نرم و متعادل و متعارف در زبان است و به طور کلی «هنجارگزینی، انحراف از هنجارهای متداول و پذیرفته شده در محور زبان است که در صورت کاربرد مناسب و غایت‌مندی می‌تواند هنری باشد. و به برجسته‌سازی در زبان بینجامد و به هنجارهای خودکار شده زبان که دیگر قادر به انتقال زیبایی و

شگفتی در آن نیستند خاتمه دهد.» (سلاجقه: ۵۰)

آرکائیسیم (باستان‌گرایی) در دو حوزه قابل بررسی می‌باشد: آرکائیسیم واژگانی (ساخت و شکل باستانی کلمه)، آرکائیسیم نحوی.

## آرکائیسیم واژگانی

کاربرد ساخت باستانی واژگان کهن در اشعار نو باستان‌گرایی واژگانی نامیده می‌شود. در شعر معاصر برای رسیدن به آرکائیسیم مورد نظر تکیه بر متون نثر گذشته ضروریست.

در این رابطه محققان معتقدند که: «تأثیر متقابل شعر و نثر در یکدیگر خود شرطی است برای وجود حیات در عالم ادب، شعر همان قدر که از اشعار دیگر مایه می‌پذیرد، از نثر نیز نکته‌ها می‌آموزد.» (میلر و دیگران: ۲۲۳) آرکائیسیم واژگانی تنها این نیست که شاعر فقط به احیای واژگان مرده و متروک بپردازد، بلکه ارتباط و پیوند آنها با ساختار جمله موجبات ظرافت شعری شاعر را نمایان می‌سازد.

این نکته را فروغ فرخزاد به زیبایی دریافته است، وی می‌گوید: «کلمات زندگی امروزی وقتی در کنار کلمات سنگین و مغرور گذشته می‌نشینند، ناگهان تغییر ماهیت می‌دهند و قد می‌کشند و در یکدستی شعر اختلاف‌ها فراموش می‌شود.» (قاسم‌زاده و دیگران: ۲۳۰)

این نکته را باید در نظر داشت، که شعر نو و معاصر بنای خود را بر بنای پیش از خود نهاده است و به عبارتی، از اشعار شاعران پیشین تأثیر گرفته است. شفיעی کدکنی در اوج شاعری خویش به کاربرد زبان در شکل کهن آن علاقه وافری نشان داده است. چنان که عناصر باستانی زبان در دفاتر مختلف وی فراز و نشیب خاص خود را دارد. شعرهای شفיעی کدکنی از تار و پودهای واژگان تازه و کهن به هم بافته شده است زیرا همان‌طور که الفاظ و واژگان امروزی به شعر او تازگی می‌بخشد، واژگان کهن شعر شکوه و جلال و ابهت برای کلام او به ارمغان می‌آورد. البته علت این امر گستردگی قلمرو نگاه وی به فرهنگ و ادب کهن می‌باشد. و در این رابطه «کروچه» ساختار فکر انسان و بنیادی را که او از دانسته‌های خود ایجاد می‌کند به بنای یک خانه مانند می‌کند و می‌گوید: «هر چند این ساختمان همواره نو می‌شود، اما بنای پیشین همیشه بنای بعدی را حفظ می‌کند و به نحوی سحرآسا در آن‌ها باقی می‌ماند.» (کروچه: ۴۸)

### ۱-۱-۱-۱- واژگان عام

منظور از واژگان عام کهن به کار بردن واژگانی از قبیل اسم و صفت و قید و ... که در زبان فارسی معاصر کاربرد نداشته و یا به ندرت به کار گرفته شده است و بیشتر سعی شده است که مصداق یا مفاهیم آنها به کار برود. البته بیشترین نمود واژگان در حوزه اسم اتفاق افتاده است.

### ۱-۱-۱-۱- باستان‌گرایی در اسم

یکی از شگردهایی که به شعر فضایی باستانی می‌بخشد. آوردن اسم‌هایی است که در گذشته رایج بوده است. و شاعران معاصر با آن، نوعی برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی ایجاد می‌کنند. از آن جایی که م. سرشک دل‌بستگی فراوانی به سبک خراسانی و هم‌چنین به ادبیات کهن و کلاسیک دارد. آرکائیسیم در اسم در اشعارش بسامد بالایی دارد.

اسم‌های قدیمی اعم از فارسی و عربی که در زمان گذشته نرم بوده، امروزه نوعی انحراف از نرم می‌باشد. نمونه‌هایی از اسم‌های کهن و قدیمی در مجموعه آینه‌ای برای صداها:

### دفتر زمزمه‌ها:

(شفיעی کدکنی: ۱۶)

بر پرند رنگ رنگ خواب‌ها

(همان: ۲۴)

ما درون هودج شامیم و صبح

ای صبحوحی بخش می خواران عشق! (همان: ۲۵)

می تپد دل چون جرس، با کاروان صبر و شوق (همان: ۴۱)

#### دفتر شبخوانی:

جان را پر از شمیم گل آرزو کند (همان: ۹۳)

وز ساحل سکوت تو، با زورق خیال (همان: ۹۷)

بای بگشای از کنام خویش (همان: ۱۱۵)

بفشار در رکاب خموشی پای درنگ را (همان: ۱۴۹)

#### دفتر از زبان برگ:

زگیسوان دختری - که از میان پنجره (شفیعی کدکنی: ۱۵۸)

و در رواق مساجد شکاف افتاده ست (همان: ۲۰۱)

من درین سوی این ترعه‌ی خون (همان: ۲۱۲)

برتوسنی دیگر برای مرگ شیرین گوارایی (همان: ۲۳۲)

#### ۲-۱-۱-۱- باستان‌گرایی صفت

شفیعی کدکنی در اشعارش از صفات بسیار بهره برده است که بیشتر این صفات کهن می‌باشند و بعد از اسم بیشتر واژگان را صفات کهن و قدیمی تشکیل می‌دهند. به کارگیری صفات کهن در شعر م. سرشک تداعی‌گر سبک خراسانی و عراقی می‌باشد و یکی دیگر از راههایی می‌باشد که شاعر برای آرکائیک نمودن شعر خود از آن بهره جسته است.

نمونه‌هایی از صفات کهن در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها:

ای طلوع بی‌زوال آرزوها (همان: ۱۷)

عمر از کف رایگانی می‌رود (همان: ۲۴)

زین همه مرغان دون همت همایی برنخاست (همان: ۶۱)

نغمه‌ی شورافکن بانگ هزاران گومباش (همان: ۷۴)

#### دفتر شبخوانی

جز سایه‌ی خموش غمی دیرپای نیست (همان: ۹۴)

بنگر اینجا در نبرد این دژآیینان (همان: ۱۱۴)

راه پیمودن به سوی این حصار جادوی آیین (همان: ۱۲۰)

هان، ای مزدا! در این شب دیرند (همان: ۱۴۰)

دفتر از زبان برگ (همان: ۱۷۶)

رثای قتل عام و خون پامال تبار آن شهیدان (همان: ۲۲۴)

گرچه شامی شوکران آکند باری، نموداری ست (همان: ۲۲۸)

#### ۳-۱-۱- باستان‌گرایی در قید

در اشعار شفیعی کدکنی برخی قیدهای قدیمی نقش اساسی دارند که در اصل یا اسم، صفت، حرف، فعل یا شبه جمله هستند که نقش قیدی گرفته‌اند و فراوان در اشعار شفیعی کدکنی دیده می‌شود و سبب برجستگی شعر او گردیده است. شفیعی کدکنی از قید مختص و مشترک در اشعارش استفاده نموده است و از این طریق به اشعارش تشخیص بخشیده و نسبت به صفت قید هم از بسامد بارزی برخوردار است.

نمونه‌هایی از قیده‌های مختص و مشترک در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها

- در نگاه من، بهارانی هنوز (شفیعی کدکنی: ۲۰)  
گر شادی وصال تو یک دم نمی‌رسد (همان: ۵۵)  
باز آی که بخشودم اگر چند فزون بود (همان: ۵۴)  
وز موج خیز فتنه، دل بی‌شکيب را (همان: ۸۲)

#### دفتر شب‌خوانی

- پروانگان مست، پرافشان به بامداد (همان: ۹۵)  
با فسون خویش چون رؤیای دوشین یا پرندوشین (همان: ۱۲۰)  
کاروان رهروان باختر دیری ست (همان: ۱۱۱)  
وینک اینجا مانده من خاموس و سرگردان (همان: ۱۱۲)

#### دفتر از زبان برگ

- اینک به حیرتم، کاین شعر عاشقانه‌ی پرشور (همان: ۱۶۶)  
یک ماه پیش تر آن سان گریستند (همان: ۱۸۶)  
در خیمه‌ی شبگیر کوتاه کرده بود آن مرد (همان: ۲۳۴)

#### ۴-۱-۱-۱-آرکائیسیم در فعل:

باستان‌گرایی و آرکائیسیم در فعل سبب تشخیص زبان می‌شود. و نسبت به واژگان از اهمیت بیشتری برخوردار است. شفیی کدکنی در اشعارش از افعال کهن بهره جسته است و افعال پیشوندی کهن بیشتر در بین افعال دیگر نموده یافته است. عبارت‌هایی که در آنها فعل‌های کهن به کار نرفته است هر چند ممکن است از واژگان و ساختار سنگینی برخوردار باشد، لیکن، کمتر قادرند سیمای آرکائستی خود را به تماشا نهند.

#### ۴-۱-۱-۱-افعال پیشوندی:

فعل‌های پیشوندی به افعالی اطلاق می‌گردد که از یک پیشوند و فعل ساده ساخته شده است، «گاهی پیشوندها بر معنی اصلی تأثیر نهاده و فعلی با معنایی جدید ایجاد می‌نمایند مانند انداخت و برانداخت. گاهی پیشوند بر سر فعل می‌آید ولی در معنای او تغییری ایجاد نمی‌نمایند. یعنی فعل ساده و پیشوندی آنها یک معنا می‌دهد.» (وحیدیان: ۵۹)

شفیی کدکنی تلاش می‌نماید که با استفاده به جا و درست از آن، زبان شعری خود را فخیم و استوار سازد. گفتنی است که «آن دسته از شاعران امروز که باستان‌گرایی را وجه تشخیص زبانی و استقلال کلامی خود قرار داده‌اند، به درک کاملی از استعداد پیشوندهای فعلی در عرصهٔ یک ساخت آرکائیسیم، رسیده‌اند. شاید یکی از پربسامدترین نمونه‌های گرایش به ساختار گذشته، کاربرد فعل‌های پیشوندی با جهات آرکائستی است» (علی‌پور: ۳۱۴). سرشک در اشعار خود از افعال پیشوندی با پیشوندهای بر، در، فرا، ب بهره برده است. شفیی به گونه‌ای افعال پیشوندی را به کار می‌برد که علاوه بر برجسته ساختن شعر وی موجب آشنایی‌زدایی شده است. در سبک‌شناسی بهار در باب این پیشوند چنین آمده است: «بای تأکید را صاحبان فرهنگ بای زینت نامیده‌اند و بعضی آن را بای زاید نام داده‌اند ما آن را بای تأکید می‌دانیم، زیرا هیچ حرفی یا ابزاری در زبان نیست که محض زینت یا به زیادتی استعمال شود» (بهار: ۳۳۳) و شفیی از این پیشوند در افعال خود بسیار بهره جسته است. نمونه‌هایی از افعال پیشوندی در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها: (باز - بر - خود - وا - بر ....)

#### دفتر زمزمه‌ها:

- گویند دل ز عشق تو برگیرم، ای دریغ (شفیی کدکنی: ۴۶)

دل فروشد همچو گردابی؛ به کار خویشتن (همان: ۴۸)

در معنی اصلی فعل تغییر ایجاد می‌کند.

باز آید که بخشودم اگر چند فزون بود (همان: ۵۴)

#### دفتر شب خوانی:

برگرد، ای مسافر گم کرده راه خویش! (همان: ۹۳)

باز آید - آرد حدیثی (همان: ۱۰۳)

فرو می‌ریخت از ابری شتابان (همان: ۱۰۵)

#### دفتر از زبان برگ:

که بر افشانده به دشت و دامن؟ (شفیعی کدکنی: ۱۹۴)

ز آواز تو دریابند (همان: ۲۲۴)

بر طاق این شب‌های وحشت برمی‌افروزیم (همان: ۲۲۶)

بر عرشه کشتی فرود آید (همان: ۲۳۴)

۱-۱-۴-۱-۱-به کار بردن ب تأکید

شفیعی کدکنی از پیشوند ب برای تأکید بیشتر استفاده می‌نماید.

نمونه‌هایی از پیشوند ب تأکید در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها:

گر بماند خالی از معنای تو (همان: ۲۲)

با نامه ایش گر بنوازی غریب نیست (همان: ۳۱)

آن روز که در عشق سرانجام بمیرم (همان: ۵۲)

#### دفتر شب خوانی:

نه رهنمونی مه بنمایدم راه (همان: ۱۰۴)

(همان: ۱۳۱)

#### دفتر از زبان برگ:

همراه خویشتن ببرد هر کجا خداست (همان: ۱۶۹)

تو بمان که جمله هستی به صفای تو بماند (همان: ۱۸۰)

بپل ای شکوه دریا که ز جو کنار ایام (همان: ۱۸۰)

۲-۴-۱-۱-۱-باستان‌گرایی افعال مرکب

شفیعی کدکنی از افعال مرکب کهن خیلی بهره‌نموده است. اما همان‌مقدار اندک که به کار برده ظرافت و هنرمندی وی را

در استعمال افعال کهن نمایان می‌سازد.

چند نمونه از افعال مرکب کهن در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها:

من که رفتم زین چمن باغ و بهاران گومباش (همان: ۷۳)

جان زکف رفت و به لب راز نهانم نرسید (همان: ۸۵)

#### دفتر شب خوانی:

آهنگ‌های شادی خود ساز می‌کنند (شفیعی کدکنی: ۹۵)

آری هنوز مانده به یاد آنچه نقش بست (همان: ۹۸)

باز از کنار شهر با نرمی گذر کرد (همان: ۱۰۰)

تاخت آوردن سپس بر خوابگاه مهتر دیوان (همان: ۱۲۰)

#### دفتر از زبان برگ:

دوباره شکل یافتند و روشنی (همان: ۱۵۸)

یادآور شفاعت دستان روستایی (همان: ۱۸۹)

این بستگان آهن و خوکرده با دیوار (همان: ۱۶۲)

#### ۳-۴-۱-۱-۱- کاربرد م نفی بر سر افعال

به کار بردن م نفی بر سر افعال از ویژگی‌های سبکی خراسانی می‌باشد شفیعی در اشعارش برای نفی بیشتر بر سر افعال از «م» استفاده نموده که جنبه کهن‌گرایانه به اشعارش بخشیده و به عبارتی می‌توان گفت: نوعی تأکید را هم به همراه دارد. در اشعار م. سرشک این کاربرد از بسامد چشم‌گیر و بالایی برخوردار می‌باشد. نمونه‌های شعری این کاربرد در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها

شعله آتش عشقم منگر بر رخ زردم (همان: ۳۶)

در بر رخم میند که همچون نگاه شوق (همان: ۴۷)

از کنار من افسرده تنها تو مرو (همان: ۵۶)

مگذر از من ای که در راه تو از هستی گذشتم (همان: ۵۸)

#### دفتر شب‌خوانی:

باور مکن که ابر ... / بارو مکن که باد (همان: ۱۴۹)

#### دفتر از زبان برگ:

آشیان‌ها را ویرانه مکن جوی (همان: ۲۲۰)

#### ۴-۴-۱-۱-۱- افعال ساده کهن

به کارگیری افعال کهن تشخیص خاصی به شعر م. سرشک بخشیده است.

گاهی این افعال آگاهانه و گاهی ناآگاهانه در اشعارش نمود یافته است بعد از فعل‌های پیشوندی این افعال از بسامد بالایی برخوردار می‌باشد. نمونه‌هایی از این افعال در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها:

ای که بی‌لاله داغ تو بهارم نشکفت (شفیعی کدکنی: ۳۷)

چون موج سر به صخره غم کوفتم زردم (همان: ۳۹)

نسترد گرد حسرت و غم از جبین مرا (همان: ۴۵)

می‌فشارم در میان سینه دل را بی‌شکيب (همان: ۸۰)

#### دفتر شب‌خوانی:

زانجا که صبح می‌شکفت خسته و ملول (همان: ۹۶)

از کدامین مرز ایرانشهر آیا رایت افزاد؟ (همان: ۱۱۸)

شیر مردانی تیغ آخته‌اند (همان: ۱۳۹)

رزمجویانی، در پرش تیر، قد برافراخته‌اند. (همان: ۱۳۹)

### دفتر از زبان برگ:

من آن نیم که بودم، این لحظه دیگرم  
وان سوی تو فتاده شیار افزار  
همسرایی کند در دشتی گل‌ها را ستاید تا صبح  
گرچه شامی شوکران آکند باری، نموداری ست

(همان: ۱۶۶)

(همان: ۱۹۰)

(همان: ۲۱۹)

(همان: ۲۲۸)

### ۵-۴-۱-۱-۱-۱-۱ افعال دعایی کهن

یک نوع دیگر ساختار فعلی که شاعر با به کارگیری آن موجب باستان‌گرایی زبان خود می‌شود. به کارگیری آن دسته از افعال دعایی است که در شعر و نثر گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفته است و امروزه به ندرت به کار برده می‌شود، در اشعار شفיעی کدکنی اگرچه ساختار جمله‌های دعایی به شیوه کهن می‌باشد. اما ساختار این گونه جمله‌ها از تنوع و گستردگی برخوردار نیست. فعل دعایی در گذشته از بن فعل مضارع + اد ساخته می‌شود.

نمونه‌هایی از افعال دعایی کهن در سه دفتر مجموعه آینه‌ای برای صداها:

### دفتر زمزمه‌ها

خالی مباد ساغر نازت که جاودان  
به گیسوان سیاهت شکست غم مرساد!  
خوش باد وقت آن کو زآغاز جاده عشق

(همان: ۳۹)

(شفیعی کدکنی: ۴۴)

### دفتر شبخوانی:

جاودان غرقه بما ناد به خواب  
دفتر از زبان برگ: این نمونه دیده نشده است.

(همان: ۱۳۹)

### ۵-۱-۱-۱-۱-۱ باستان‌گرایی حروف

در زبان فارسی حروف معنای مستقل ندارند «فقط برای پیوند دادن گروه‌ها یا کلمه‌ها یا جمله‌ها به یکدیگر یا نسبت دادن کلمه‌ای به کلمه‌ای یا کلمه‌ای به جمله‌ای، با نمودن نقش کلمه در جمله به کار می‌روند.» (انوری و گیوی: ۲۵۵) در گذشته حروف کاربرد فراوانی در اشعار شاعران داشته است شفיעی کدکنی در اشعارش سعی نموده که حروف را در شکل کهن آن به کار گیرد که امروزه رایج نیست وی با روی آوردن به چنین کاربردهایی در سروده‌هایش، رنگ عادت را از رخسار آنها زدوده و بافت‌های زبانی خود را استحکام بخشیده است، چرا که در حروف به دلیل انعطاف‌پذیری ویژه در معنا و دگرگونی‌های کارکردی که در طول هزار سال نثر و شعر فارسی صورت گرفته، پیوسته در شعر باستان‌گرایی امروز همانند سایر عناصر زبان، نقشی تعیین کننده داشته است.» (علی‌پور: ۱۷۴) در میان حروفی که به شکل کهن در اشعار م. سرشک به کار رفته است بیشترین بسامد مربوط به حرف «ز» می‌باشد.

نمونه‌هایی از حروف کهن در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

### دفتر زمزمه‌ها:

گامی ز سر کوی تو رفتن نتوانم  
برگی از باغ سخن‌هات ار بود  
زین گرفتار قفس ای گل گلشن یاد آر

(همان: ۲۷)

(همان: ۱۹)

(همان: ۳۷)

### دفتر شب‌خوانی:

لیک اکنون گر فروغی مانده در چشمان بی‌نورش  
بار دگر ای گل سایه دست چمنزار تنهایی من

(همان: ۱۱۸)

(همان: ۱۲۷)



زین گونه، غریب رهرو شبخوان

(همان: ۱۴۱)

#### دفتر از زبان برگ:

عبور سایه صیاد را ز دامن کوه

(شفیعی کدکنی: ۱۸۸)

گر کور سو، گر پرتو افشان، هر چه هست

(همان: ۲۲۸)

گرچه شامی شوکران آکند

(همان)

#### ۱-۲-واژگان اسطوره‌ای، حماسی و آیینی:

شفیعی کدکنی بنا به اختیارات و علاقه و نیاز خود از عناصر اسطوره‌ای، ملی و آیینی بهره جسته و آنها را چاشنی شعر خود کرده است این موضوع بیانگر علاقه م. سرشک به این مایه‌های فرهنگی و اسطوره‌ای پیشین می‌باشد. م. سرشک از طریق گستردگی و تنوع واژگان اساطیری در جاری ساختن معانی و عواطف حاصل از شهود شاعرانه، خود را در جریان خلاقیت شعری قرار می‌دهد.

همان‌گونه که گفته شد: «کلمات مهجور و قدیمی را از طریق هم‌نشینی با کلمات دیگر از خلوت غرابت بیرون آورده و آشنا می‌کند» (عباسی: ۱۵۲). نمونه‌هایی از واژگان اساطیری و حماسی و تاریخی به کار برده شده در سه دفتر اول مجموعه آیینی ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها

هم‌چو فرهاد از جنون زد تیشه‌ای بر فرق خویش

(همان: ۴۸)

جسته‌ام آفاق را در جام جمشید جنون

(همان: ۵۰)

با آن که هم‌چو مجنون، گشتیم شهره در شهر

(همان: ۵۹)

#### دفتر شبخوانی:

پیش آهنگ پسا هم صد هزاران گرد رویین تن

(همان: ۱۱۰)

با درفش کاویان جاودان پیروز

(همان: ۱۱۰)

بار دگر ای موبد آتشگه خاموش

(همان: ۱۲۳)

هان ای مزدا! در این شب دیرند

(همان: ۱۴۲)

#### دفتر از زبان برگ:

من چون درخت معجز زردشت

(همان: ۱۶۶)

چون سرو کاشمر با شاخ و برگ سبز بهاران

(همان: ۱۶۶)

ای خضر ناشناس، که گاهی به شاخ بید

(همان: ۱۹۰)

#### ۱-۲-آرکائیسیم نحوی:

در کنار نوآوری‌هایی که شاعران امروز در اشعارشان برای دستیابی به یک زبان مشخص دارند، بازگشت به سنت‌های نحوی گذشته و تجدید حیات آنها در آثار برخی از شاعران مشاهده می‌گردد. این بازگشت به گذشته سبب توفیق شاعران در حوزه زبان می‌گردد. «غیر از نیما یوشیج که سنت‌شکن و سنت‌آفرین است و ساخت‌های ابداعی بی‌شماری را در کنار حفظ پاره‌ای سنت‌های پیشین، به شعر امروز، ارزانی داشته و نام خود را بر بلندترین نقطه قله شعر امروز به اهتزاز درآورده است، «اخوان» و «شاملو» و «شفیعی» پیشروترین شاعران آرکائیسیم امروزی» (علی‌پور: ۱۶۳) شفیعی کدکنی از شاعرانی می‌باشد که یکی از مشخصه‌های بارز زبان وی، رویکرد بسیار ماهرانه او، به کاربرد ساختار نحوی گذشته و تجدید حیات آن در شعرش می‌باشد. وی با به کارگیری از سنت‌های نحوی قدیمی و کهن به جای واژگان و ساختار نحوی جدید، سبب نوعی آشنادایی در کلام

شعری خویش می‌شود. گسترش و تنوع امکانات زبانی در حوزه نحوی از برجسته‌ترین عوامل استحکام و تشخیص زبان شاعر است. او خود در این باره معتقد است که: «گاه تنها عامل برجستگی یک عبارت همین برجستگی ساخت نحوی آن به تناسب موضوع است.» (شفیعی کدکنی: ۲۷). به کارگیری ساختار نحوی کهن به گونه مناسب و مطلوب در کنار واژگان کهن سبب استحکام و تشخیص مضاعف زبان شاعر می‌شود. «زبان آرکائیسیم در نتیجه هماهنگی و همکاری عناصر واژگانی و ساختارهای نحوی باستانی در چارچوب یک جهان‌بینی مدافع فرهنگ گذشته، قابل توسعه است.» (علی‌پور: ۱۶۴) شفیعی کدکنی به دلیل علاقه و آشنایی که به ادبیات غنی گذشته داشته است سعی نموده چه در حوزه واژگانی و چه در حوزه نحوی از آنها تأثیر پذیرد و اسلوب و روش‌های نحوی بسیاری از آثار گذشته را با ظرافت و هنرمندی خاص در اشعارش احیاء کند. وی به دلیل علاقه به سبک خراسانی اغلب واژگان و ساختار نحوی آن سبک را در اشعارش به کار گرفته است. ساختار شعری شفیعی کدکنی به گونه‌ای می‌باشد که بشر دوست در مورد او می‌گوید: «گویی شفیعی درخت شعرش را به نحوی ساخته و پرداخته است که ریشه‌هایش سستی و شاخه و میوه‌هایش نو باشد.» (بشردوست: ۲۸۵)

#### ۱-۲-۱- کاربرد «ی» اشباع شده

یکی از موارد باستان‌گرایی نحوی به کار بردن «ی» اشباع شده ساکن به جای کسره اضافه است. این شگرد از شایع‌ترین سنت‌های معمول مکتب خراسانی است و از ویژگی‌های مشترک بین شعر و نثر در قرن‌های سوم تا هفتم می‌باشد. در اشعار امروزه در آثار برخی چون «نیما» و اخوان، خویی و شفیعی کدکنی نمود دقیق‌تری دارد. «نیما و اخوان پیش از ورود به صحنه‌های تجربه زبان امروز و کشف ظرفیت‌های تازه آن از پیروان سبکی شعر حوزه خراسان قدیم بوده‌اند؛ و با حفظ شیوه سبکی آن به خلق آثاری که بعدها بدان‌ها شناخته شده‌اند توفیق یافته‌اند.» (علی‌پور: ۱۶۵).

شفیعی کدکنی آن چنان آگاهانه و طبیعی از این شگرد قدیمی زبان استفاده کرده که هرگز بوی تکلف از زبان شعری او به مشام نمی‌رسد. به کار بردن «یاء اشباع شده به جای کسره از ویژگی‌های اختصاصی سبک خراسانی می‌باشد و از آنجا که م. سرشک خود را به آن سبک متعهد می‌دانسته این مشخصه را به همراه اختصاصات دیگر این سبک در اشعارش به کار گرفته و به عبارتی به روزگار ما می‌آورد. البته در اشعارش از بسامد بالایی برخوردار نمی‌باشد.

نمونه‌هایی از این کاربرد در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها

دیگر اکنون چه کنم زمزمه در پرده عشق (شفیعی کدکنی: ۳۵)

در شهادتگاه شوق، از جلوه‌ی، آینه‌وار (همان: ۴۱)

گل شکفته‌ی صبح و بهار آینه‌ای (همان: ۴۴)

#### دفتر شب‌خوانی:

با صخره‌ی دامن تو بازگو کنم (همان: ۹۷)

بر آن شاخ برهنه‌ی بی‌گل و برگ (همان: ۱۲۲)

نقشی افتاده بر آن پرده‌ی لرزان حریر (همان: ۱۳۱)

#### دفتر از زبان برگ:

هله، ای نسیم اشراق کرانه قدسی (همان: ۱۷۹)

با صخره قافیه‌ای استوار (همان: ۱۸۲)

#### ۱-۲-۲- ساکن کردن متحرک

از باستان‌گرایی نحوی دیگری که می‌توان در اشعار شفیعی مشاهده نمود ساکن کردن متحرک می‌باشد در اشعار معاصر

زیباترین شکل این کاربرد را اخوان ثالث در اشعارش به کار گرفته است. در شعر شفيعی کدکنی برخلاف شعر نیما پیروی شاعر از سبک خراسانی استفاده از این کاربرد را در اشعارش ایجاد نموده اما در شعر نیما یوشیج ضرورت وزنی سبب ایجاد این شیوه در اشعارش گردیده است.

بخشی از آنچه که به بعد حماسی شعر شفيعی تعبیر می‌شود، مربوط می‌شود به ضرب آهنگ‌هایی که وی از طریق ساکن کردن متحرک در زبان خود خلق کرده است.

نمونه‌هایی از ساکن کردن متحرک در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها

بر پرند رنگ رنگِ خواب‌ها (شفيعی کدکنی: ۱۶)  
بلند است آشیانِ مرغانِ اوج همت ما را (همان: ۴۳)  
درشگفتم از دلم کاین قطرهٔ طوفان به دوش (همان: ۴۹)

#### دفتر شب‌خوانی:

آن روزها به خاطر اندوه بار من (همان: ۹۸)  
سرسبز و جاودانه و بشکوه و شاد باش (همان: ۹۹)  
از کدامین مرز ایرانشهر آیا رایت افزاد؟ (همان: ۱۱۸)  
به اعتماد نجیب بزرگ‌ها سوگند (همان: ۱۴۴)

#### دفتر از زبان برگ:

غرور پاک و برف پوش قله‌ها (همان: ۱۵۹)  
و یک هجای روشن خون رنگ گاه گاه (همان: ۱۸۳)  
این سرود درود است و بدرود (همان: ۲۱۵)  
خونبرگ گل‌ها را - که می‌بالند فردا - (همان: ۲۱۷)

#### ۳-۲-۱- کار بردن ضمیر مفعولی بعد از فعل

در سبک خراسانی این شیوه نمود بیشتری دارد و شفيعی کدکنی هم به علت تأثیر از این سبک این شگرد را در اشعارش به کار گرفته است البته فراوان دیده نمی‌شود اما همین موارد اندک هم بیان‌گر توجه و علاقهٔ وی در به کارگیری شیوهٔ نحوی گذشته می‌باشد. نمونه‌هایی از به کار بردن ضمیر مفعولی بعد از فعل در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها

از جنون بایدم امروز گشایش طلبید (همان: ۳۰)  
دریغ آیدم ای گل که یار آینه‌ای (همان: ۴۴)  
گویند دل زعشق تو بر گیرم (همان: ۴۶)  
جام بوسیدش و من زان لب خندان دورم (همان: ۶۵)

#### دفتر شب‌خوانی:

اینجاست آنجا که دیگر نخواهیش دیدن (همان: ۱۰۲)  
نه رهنمونی که بنمایدم راه (همان: ۱۰۴)  
بایدش در نیمه شب کاین جادوان در خواب (همان: ۱۲۰)  
و فرو افکندش از آن سریر پرنیان و بستر زرین (شفيعی کدکنی: ۱۲۰)

#### دفتر از زبان برگ:

در این دفتر چون اشعار به سمت نو نیمایی گرایش دارد کمتر این شگرد در آن دیده شده و دو مورد بیشتر یافت نگردید.

در کوچه‌های خامش و خلوت نجویمش (همان: ۱۷۶)

خوش آمد نگویمش (همان: ۱۷۶)

#### ۴-۲-۱-تنسیق الصفات:

م. سرشک با مهارت و ظرافت توانسته علاوه بر زینت بخشیدن به کلام با آوردن تنسیق الصفات به کلام خود نوعی بزرگ

نمایی و برجستگی بخشد.

#### دفتر زمزمه‌ها:

از کنار من افسرده تنها تو مرو (همان: ۵۶)

ای تو از دل طوفان بی ساحل من (همان: ۵۷)

چون مرغک طوفان زده ی دربدری بود (همان: ۶۳)

#### دفتر شب‌خوانی:

گل های آرزو، همه، افسرده و کبود (همان: ۹۴)

این شهر سرد یخ زده در بستر سکوت (همان)

ای روستای خفته بر این پهن دشت سبز (همان: ۹۶)

#### دفتر از زبان برگ:

تواضع لطیف و نرم دره‌ها (همان: ۱۵۸)

غرور پاک و برف پوش قله‌ها (همان: ۱۵۹)

یک هجای روشن خون رنگ (همان: ۱۸۳)

#### ۵-۲-۱-تقدم صفت بر موصوف:

م. سرشک گاهی با قرار دادن صفت قبل از اسم باعث برجستگی اشعارش گردیده و این شگرد شاعر یادآور سبک خراسانی

می‌باشد و این نشانه رویکرد باستان‌گرایی اوست. البته این ساختار زیبایی خاصی به اشعار وی بخشیده است. نمونه‌هایی از

این کاربرد در سه دفتر اول مجموعه آینه‌ای برای صداها:

#### دفتر زمزمه‌ها:

ای طلوع بی زوال آرزو (شفیعی کدکنی: ۱۷)

این فروغ نازنین بامداد (همان: ۲۴)

این سحرگاه بلورین بهار (همان)

#### دفتر شب‌خوانی:

ای روستای خفته بر این پهن دشت سبز (همان: ۹۶)

وندربناه سایه ی انبوه داغ هات (همان: ۹۷)

ای بس طلوع‌های گل افشان بامداد (همان)

#### در دفتر از زبان برگ:

شب‌های نیل چهر (همان: ۱۷۷)

در ذهن آب و آبی مشرق (همان: ۱۸۳)

زالال روشن چشمانش آبشار کبود (همان: ۱۸۸)

جمع کل	دفتر از زبان برگ	دفتر شبخوانی	دفتر زمزمه ها	آرکائیسیم
۷۰	۲۵	۴۱	۴	تنسيق الصفات
۱۶	۸	۶	۲	کاربرد «ب» بر سر فعل
۹	۰	۸	۱	«ی» اشباع شده به جای کسره
۴۷	۱۶	۲۱	۱۰	تقدم صفت بر موصوف
۱۳۳	۴۹	۷۶	۲۷	جمع کل

بسامد هنجارگریزی زمانی (آرکائیسیم)

جمع کل	دفتر از زبان برگ	دفتر شبخوانی	دفتر زمزمه ها	ارکائیسیم
۲۷۸	۱۱۲	۱۱۳	۵۳	ارکائیسیم در اسم
۱۰۲	۲۵	۴۳	۳۴	ارکائیسیم در فعل
۴۶	۷	۲۷	۱۲	ارکائیسیم در فعل پیشوندی
۴۷	۱۵	۱۸	۱۴	ارکائیسیم در فعل مرکب
۵۲	۱۲	۲۴	۱۶	ارکائیسیم در حرف
۵۶	۷	۲۷	۲۲	ارکائیسیم در صف
۵۴	۱۳	۳۱	۱۰	ارکائیسیم در قید
۲۵	۲	۱۲	۱۱	تلمیح
۶۶۲	۱۹۳	۲۹۵	۱۷۴	جمع کل

## نتیجه

توجه به عناصر زبان و فرهنگ گذشته در شعر سبب می‌گردد که شاعر به امکانات بالقوه فعلیت بخشیده و با کاربرد آنها زبان شعر خود را برای بیان تجربه‌ها و لحظه‌های عاطفی شاعر تعالی بخشد.

استفاده از ساخت کهن‌گرایانه از شگردهای شعر م. سرشک برای آشنایی زدایی و برجستگی زبان شعری او محسوب می‌شود. او از این راه سعی نموده تا به شعر خود اصالت و ریشه‌دار بودن را هدیه کند. م. سرشک با استفاده به‌جا و مناسب از واژگان کهن و دیگر عناصر کهن زبان فارسی سبب می‌گردد که هنگام خواندن اشعارش مخاطب تغییر شکل و اختلاف زبان شعر شاعر را با زبان مورد استفاده روزمره خود دریابد. وی به زبان استوار و فخیم کهن و گذشته و مخصوصاً زبان سبک خراسانی علاقه داشته است و همین آشنایی و علاقه عمیق شاعر با ادبیات کهن و دامنه وسیع گنجینه واژگان کهن در ذهن او سبب گردیده است که از یک سو، برای القای هر مفهومی واژه خاص آن را در اختیار داشته باشد و از سوی دیگر، واژه‌ها در شعرش رسالت مفاهیم را به خوبی القا کنند. وجود واژگان کهن در اشعار وی با اشاره و تلمیح به جنبه‌های گوناگون زندگی گذشتگان، شعر او را به فرهنگی سرشار از تلمیحات بدل نموده است. با صراحت می‌توان گفت باستان‌گرایی در دو شاخه واژگانی و نحوی به صورت گسترده در اشعار م. سرشک مشاهده می‌شود، از این لحاظ در مرتبه‌ای بعد از اخوان و شاملو قرار گرفته است. از آنجایی که شفיעی کدکنی هم شاعر است و هم محقق در رشته زبان و ادب فارسی و شناخت عمیقی نسبت به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران دارند. و این موضوع در کنار مأنوس بودن ایشان با زبان دری مردم خراسان، ایشان را در گرایش به کهن‌گرایی توانا ساخته است. استفاده از واژگان کهن و محلی در اشعارش که نمود بسیاری نیز دارد از همین‌جا نشأت گرفته است. البته ناگفته نماند که احساسات و عواطف شاعر در توجه به باستان‌گرایی، بی‌تأثیر نبوده است. در بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل گردید که در دو حوزه آرکائیسیم واژگانی و نحوی بیشترین بسامد به هنجارگریزی واژگانی تعلق دارد. و در بین واژگان اسم‌های کهن و قدیمی نمود بیشتری دارد. باید توجه داشت که دفتر زمزمه‌ها که از بافت شعری سنتی و کلاسیک برخوردار می‌باشد بیشترین بسامد اسم‌ها و واژگان کهن را به خود اختصاص داده است. به طور کلی در دفتر زمزمه‌ها ۱۲۹ مورد از اسم‌های کهن و در دفتر شب‌خوانی ۹۵ مورد و در دفتر از زبان برگ ۸۱ مورد مشاهده گردید، و در مورد استفاده از افعال کهن در دفتر زمزمه‌ها و شب‌خوانی به ترتیب ۶۷ و ۶۹ بالاترین بسامد را بعد از واژگان کهن دارا می‌باشند. در مقوله صفات کهن در دفتر زمزمه‌ها ۸۶ مورد و در دفتر شب‌خوانی ۶۵ مورد و دفتر از زبان برگ ۲۸ مورد. شفיעی کدکنی از آرکائیسیم نحوی در اشعارش بهره جسته است اما نه به اندازه آرکائیسیم واژگانی و این امر موجب گردیده است که بسامد کمتری به خود اختصاص دهد. وی با برقراری ارتباط و پیوند واژگان کهن با واژگان نو و جدید به اشعارش شکوه و صلابت خاصی بخشیده و به گونه‌ای سبب لذت بیشتر مخاطب گردیده است و علاوه بر حفظ افزایش موسیقی شعر، به جریان روان خلاقیت شعر نیز کمک نموده است.

م. سرشک با استفاده بهینه از زبان کهن و ظرفیت‌های آن علاوه بر احیاء آنها، امکانات و ظرفیت‌های زبان را افزایش داده و این هم خدمتی به زبان و ادب فارسی محسوب می‌گردد.

## منابع و مأخذ

- ۱ - احمدپور، علی، رمز و رمزگرایی در اشعار مهدی اخوان ثالث. تهران: سپهر، ۱۳۷۴.
- ۲ - انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن. دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی، ۱۳۶۷.
- ۳ - بشردوست، مجتبی. در جستجوی نیشابور. تهران: ثالث، چاپ ۱، ۱۳۷۹.
- ۴ - بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی. تهران: امیرکبیر، چاپ ۸، ۱۳۷۵.
- ۵ - باقری، مهدی. تاریخ زبان فارسی. تهران: قطره، چاپ ۳، ۱۳۷۶.
- ۶ - پورنامداریان، تقی. سفر در مه (تأملی در شعر احمد شاملو). تهران: نگاه، ۱۳۸۱.
- ۷ - زرقانی، سید مهدی. چشم‌انداز شعر معاصر. تهران: ثالث، ۱۳۸۷.
- ۸ - سلاجقه، پروین. نقد شعر معاصر امیرزاده کاشی‌ها «شاملو». تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۹ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. مجموعه آینه‌ای برای صداها. تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- ۱۰ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه، چاپ ۸، ۱۳۸۴.
- ۱۱ - صفوی، کوروش. از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: چشمه، ۱۳۷۳.
- ۱۲ - عباسی، حبیب‌الله. سفرنامه باران. تهران: سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۳ - علی‌پور، مصطفی. ساختار زبان شعر امروز. تهران: فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۴ - فتوحی، محمود. سبک‌شناسی نظریه‌ها (رویکردها و روش‌ها). تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۱۵ - قاسم‌زاده، محمد. دریایی، سحر، ناگه غروب کدامین ستار. تهران: بزرگمهر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۱۶ - کروچه، بندتو. کلیات و زیباشناسی. ترجمه فؤاد روحانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ۵، ۱۳۸۱.
- ۱۷ - معین، محمد. فرهنگ فارسی. (دوره شش جلدی)، تهران: امیرکبیر، چاپ ۹، ۱۳۷۵.
- ۱۸ - میرصادقی، میمنت. واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: مهناز، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- ۱۹ - میلر، هنری و دیگران. تولد شعر. تهران: ترجمه منوچهر کاشف، انتشارات سپهر، ۱۳۴۸.
- ۲۰ - وحیدیان، کامیار؛ عمرانی، تقی و غلامرضا. دستور زبان فارسی. تهران: سمت، ۱۳۷۹.